

# روانشناسی خانواده

تالیف

حسن ملکی (قاسم)



انتشارات آوای نور

تهران - ۱۳۹۵

# لیس

## الذوالحججه الحرام

سرشناسه	: ملکی، حسن، ۱۳۴۲ -
عنوان و نام پدیدآور	: روانشناسی خانواده/ تالیف حسن ملکی (قاسم).
مشخصات نشر	: تهران : آوای نور، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۲۷۲ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۳۰۹-۱۹۸-۶
وضعیت فهرست	: فیبا
نویسی	
موضوع	: خانواده‌ها
موضوع	: خانواده‌ها -- جنبه‌های روانشناسی
رده بندی کنگره	: HQ۱۳۹۵۷۴۳ ۱۳۹۵/۹م/۷۵
رده بندی دیویی	: ۶۴۵/۱۵۵
شماره کتابشناسی	: ۴۱۹۷۷۷۰



تهران، میدان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهید وحید نظری،  
پلاک ۹۹، طبقه دوم تلفن: ۶ و ۶۶۹۶۷۳۵۵ / دورنگار: ۶۶۴۸۰۸۸۲

### روانشناسی خانواده

تالیف: حسن ملکی (قاسم)

ناشر: انتشارات آوای نور

صفحه آرا: منیرالسادات حسینی

چاپ: اول ۱۳۹۵

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۰۹-۱۹۸-۶

قیمت ۱۸۵۰۰ تومان

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

---

## مقدمه

---

خانواده به‌عنوان نهاد اجتماعی بنیادین جامعه از عوامل متعدد بیرونی و درونی تأثیر می‌پذیرد و همانند سایر نهادها در درون خود با موانع، تعارضات، مشکلات، کارکردها، تحولات و ... مواجه می‌باشد که پرداختن به آنها جهت آشنایی با خانواده در حوزه روانشناسی خانواده قرار می‌گیرد. روانشناسی خانواده قصد دارد با آگاهی از موارد مذکور در خصوص خانواده به پایداری خانواده کمک و در راستای رفع موانع ثبات خانواده اقدام نماید. این کتاب در دو بخش تنظیم گردیده است که در بخش اول مفهوم انواع، کارکردها و سایر مباحث مربوط به خانواده به بحث گذاشته شده و در بخش دوم آسیب‌های اجتماعی تهدیدکننده خانواده که خانواده از ابتلا به آن رنج می‌برد مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. محتوای این کتاب با توجه به سرفصل مربوطه برای واحد درس روانشناسی خانواده تنظیم گردیده و برای مشاوران و خانواده کاربرد دارد. با امید اینکه توانسته باشیم در شناساندن خانواده گاهی هرچند کوچک برداشته باشیم. در پایان از انتشارات آوای نور که نشر این کتاب را متقبل شده‌اند سپاس می‌نمایم.

باتشکر

حسن ملکی (قاسم)

بهار ۱۳۹۵



---

## فهرست مطالب

---

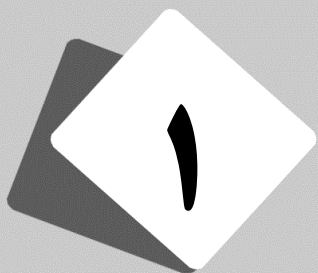
### بخش ۱: آشنایی با خانواده

فصل ۱: خانواده و روانشناسی خانواده	۹
فصل ۲: نقش‌ها و وظایف در خانواده (ارکان خانواده)	۱۵
فصل ۳: کارکردهای خانواده	۳۳
فصل ۴: انواع خانواده	۴۷
فصل ۵: الگوهای ارتباطی در خانواده	۴۹
فصل ۶: سبک‌های فرزند پروری	۷۹
فصل ۷: تعارضات در خانواده	۹۵
فصل ۸: تحولات خانواده در غرب و ایران	۱۱۵
فصل ۹: ازدواج مجدد، ازدواج موقت	۱۴۵

### بخش ۲: خانواده و آسیب‌های اجتماعی

فصل ۱۰: خشونت خانگی با تاکید بر همسرآزاری و کودک‌آزاری	۱۷۹
فصل ۱۱: اعتیاد	۲۰۷
فصل ۱۲: طلاق	۲۳۵
فصل ۱۳: فرار از خانه	۲۵۳
منابع	۲۶۷
نمایه موضوعی	۲۷۱





بخش

# آشنایی با خانواده





# فصل ۱

## خانواده و روانشناسی خانواده

### معنی خانواده در لغت

کلمه فامیلی (family) از لغت فامیلیا، فامولوس به مفهوم مستخدم و برده گرفته شده است. از لحاظ تاریخی فامیلی به نوعی اتحاد خانگی اطلاق می‌شد که افراد آزاد و برده را با هم شامل می‌شد. در برخی فرهنگ‌ها شامل اموال خانه نیز می‌شد. به این ترتیب در یک اتحاد خانگی به جای پیوندخونی اعضا خانواده تعداد افراد دخیل در امر تولید مهم بود. در عربی عنوان اُسره به مفهوم سپر نگهدارنده و زره محکم معنا شده و بر عشیره و خانواده فرد به اعتبار این که از آنها قدرت می‌گیرد اطلاق گردیده است.

در زبان فارسی خانواده بر معنای دودمان، اهل و عیال و خانه و اسباب خانه، خویشان و اهل و عیال و خانه دولت و ثروت موروثی که قابل حمل باشد. به عبارتی خانواده بیشتر از یک واحد مبتنی بر پیوند خونی و صمیمی زن و شوهری است. خانواده با ازدواج شکل می‌گیرد و نقش آن در ثبات و برقراری نظام اجتماعی - فرهنگی و تحکیم و تثبیت شیرازه‌های اجتماعی جامعه بر کسی پوشیده نمی‌باشد. (باقری، ۱۳۸۶، نقل از کاوه ۱۳۹۱: ۳۴۹)

### تعاریف خانواده

برای واژه خانواده تعریف‌های متعددی از ناحیه نظریه پردازان و دانشمندان علوم مختلف ارائه گردیده است. برخی از این تعاریف‌ها به شرح زیرند:

\* یک گروه شامل پدر، مادر و فرزندان که در مکانی واحد زندگی می‌کنند، اقتصاد مشترکی دارند که مبتنی بر حقوق و مناسبات و تکالیف فردی و جمعی است.

(حائری‌یان، ۱۳۸۱، نقل از کاوه ۱۳۹۱: ۲۵)

\* خانواده به دو یا چند نفر گفته می‌شود که به واسطه‌ی تولد، ازدواج یا فرزند خواندگی یا اقامت با یکدیگر در یک خانه زندگی می‌کنند. (گلاونیک، ۱۳۹۲: ۲۰)

\* خانواده متشکل از افراد است و دارای شخصیت مدنی، حقوقی و معنوی است که براساس نکاح پدید می‌آید. (قائمی، ۱۳۷۴: ۱۹)

\* خانواده گروهی است متشکل از افرادی که از طریق پیوند زناشویی، همخونی و یا پذیرش با یکدیگر به عنوان شوهر، زن، مادر، پدر، خواهر، برادر در ارتباط متقابل هستند و فرهنگ مشترکی پدید آورده و در واحد خاصی زندگی می‌کنند. (برگس و لاک، به نقل از نجاتی، ۱۳۷۱: ۲۷)

\* خانواده عبارت است از یک واحد اجتماعی که از ازدواج زن و مرد به وجود آمده و فرزندان کامل کننده آن هستند (ملیحی، ۱۳۷۶).

\* خانواده عبارت است از گروه افرادی که با همدیگر زندگی می‌کنند و میانشان روابط خویشاوندی و یا وابستگی معین دیگر حکم فرماست (صادقی به نقل از ترابی، ۱۳۵۲).

## فلسفه تشکیل خانواده

خانواده، یگانه سازمان دائمی و فراگیر اجتماعی است که از دیرباز در فراز و نشیب تاریخ وجود داشته و حتی قبل از به وجود آمدن عبادتگاه، دولت و هر سازمانی، برای تمرکز فعالیت آدمی موجود بوده است. (دهخدا، ص ۹۴۳۸) خانواده، اصلی‌ترین واحد حیاتی و هسته فعالیت زیستی و یاخته بنیادین جامعه است و از آن به عنوان قدیمی‌ترین و استوارترین سازمان بشری یاد می‌شود. خانواده، خمیرمایه و هسته نخستین و چکیده هر یک از جوامع انسانی است و محال است که جامعه‌ای پدید آید در حالی که خانواده واحد سازنده آن نباشد. این نهاد اجتماعی در عین کوچکی، کامل‌ترین و جامع‌ترین سازمان بشری از جهت کارکردها و فعالیت‌های متنوع انسان (زیستی، عاطفی، اقتصادی و اجتماعی) به شمار می‌رود و تنها نهادی است که بدون استثنا در سایر نهادهای اجتماعی تاثیر زیاد دارد. رشد و پیشرفت یا عقب ماندگی و رکود هر جامعه‌ای متأثر از جایگاه و وضعیت خانواده در آن است. قوام، اقتدار و رونق هر جامعه و مجامع بشری درون آن از تعالی فرهنگی و پویایی تمدن خانواده و اعضای آن نشأت می‌گیرد و در صورت فقدان یا تزلزل آن هیچ نهاد و سازمان مجهری نمی‌تواند جای آن را بگیرد. خانواده، اولین و مهم‌ترین مدرسه و مکتب انسان ساز است. به گونه‌ای که از خانواده به منزله «بهترین نهاد اجتماعی کننده فرد» تعبیر کرده‌اند. در خانواده (البته بالنده و پویا) اعضا می‌آموزند که چگونه رشد یابند، شاداب و پرپار باشند. چگونه آرام و تدریجی تغییرات را پذیرا باشند. یاد می‌گیرند که چگونه با شکیبایی و مدارا دیدگاه‌های مخالف (یکدیگر) را بپذیرند و حقوق خود و دیگری را محترم بدانند و می‌آموزند که چگونه ارتقا یابند.

خانواده، عامل حفظ سنن ملی و اخلاقی و مرکز پرورش و رشد احساسات و عواطف انسانی است و اصلی‌ترین نقش را در شکل‌گیری شخصیت و ساختار معنوی انسان ایفا می‌کند، از این

رو کودکانی که در محیط خانواده رشد نیافته‌اند و بدون حمایت و سرپرستی پدر و جدا از دامان پر مهر مادر، بزرگ شده‌اند دچار کمبودهای عاطفی و خلأهای روانی فراوانند. همچنان که مردان و زنان بی‌بهره از کانون گرم خانواده اغلب گرفتار تیره بختی یا فساد می‌باشند.

خانواده از جهتی نیز در حفظ و توسعه امنیت و اقتدار ملی نقش اساسی دارد. تزلزل و انحطاط خانواده‌ها، ضعف و ناتوانی جامعه و تباهی ملت را در پی دارد، همان گونه که تعاون و سلامت خانواده‌ها پشتیبان و حامی دولت و تضمین کننده پویایی و قدرت آن است و به گفته «ژوسران» دانشمند بزرگ فرانسه «تاریخ به ما می‌آموزد که توانایی ملت‌ها، مللی بوده‌اند که خانواده در آنها قوی‌ترین سازمان را داشته است». (امامی، نقل از مقدادی، ۱۳۸۵: ۳۵)

خانواده در زمینه اقتصادی نیز دارای اهمیت ویژه‌ای است، اگر در گذشته واحدهای کشاورزی، بازرگانی، تولیدی و ... از اعضای خانواده شکل می‌گرفت و بدین سان خانواده دارای نقش مهمی در گرداندن اقتصاد جامعه بود. امروزه نیز صرف نظر از انجام فعالیت‌های سنتی و تولیدی توسط خانواده، بسیاری از مؤسسات بازرگانی و صنعتی جنبه خانوادگی داشته یا بقا و پیشرفت آنها مرهون فعالیت این نهاد بنیادین است. به علاوه تشکیل خانواده و تامین معاش آن، انگیزه مهمی است برای کسانی که پایبند خانه و دوستدار خانواده خویشند تا با علاقه بیشتر در عرصه کار و تولید و با رغبت زیادتر در زمینه‌های اقتصادی تلاش کنند و با کسب درآمد بیشتر رفاه و زندگی بهتری را برای خانواده خود تأمین نمایند و این خود در توسعه و رونق اقتصادی کشور تأثیر به‌سزایی خواهد داشت. جایگاه اساسی و اهمیت اجتماعی و اقتصادی این نهاد اصیل اجتماعی همواره آن را در کانون توجه دانشمندان و صاحب‌نظران قرار داده است، تا جایی که در بند سوم از ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر خانواده به عنوان رکن طبیعی و اساسی اجتماع معرفی شده و به آن حق داده‌اند که از حمایت جامعه و دولت بهره‌مند گردد. (ناصر زاده، ۱۳۷۲، نقل از مقدادی، ۱۳۸۵: ۳۶)

فلسفه شکل‌گیری خانواده از این لحاظ که اولین نهاد اجتماعی که افراد در آن به دنیا می‌آیند، زندگی می‌کنند و سپس می‌میرند قابل توجه می‌باشد و در این فرایند به عنوان عامل واسطه‌ای تلقی می‌گردد که قبل از ارتباط مستقیم فرد با گروه‌ها، سازمان‌ها و جامعه نقش مهمی در انتقال هنجارهای اجتماعی ایفا می‌نماید. به عبارتی اولین پایگاه و انتقال عناصر فرهنگی از جمله اعتقادات، آداب و رسوم، دانش‌ها و مهارت‌های گوناگون به نسل بعد می‌باشد و از جمله عوامل رشد و شکوفایی استعدادها و ایجاد تمدن و فرهنگ غنی است. در خانواده ارزش‌ها آموخته می‌شود، تجربه فزونی می‌گیرد، تعامل متقابل اعضا عامل احساس عضویت اعضا در یک نهاد می‌باشد. همچنین شکل‌دهنده افکار، عقاید، طرز برخورد و تمایلات کودکان با دیگران است.

فلسفه خانواده از این زاویه نیز قابل توجه است که ضمن سنگ بنا بودن جامعه و استواری جامعه بر اساس سالم بودن یا نبودن نیز بر آن وابسته است. چرا که هیچ جامعه‌ای سالم نخواهد بود مگر آنکه از خانواده‌های سالم برخوردار باشند. خانواده به لحاظ برخورداری از گستردگی، دوام، عمق روابط و الزام‌های حقوقی، اخلاقی در چگونگی شکل‌گیری جامعه سالم یا ناسالم تاثیر گذار خواهد بود.

نکته آخر در تبیین شکل‌گیری خانواده از نگاه رشدی - تحولی است. بدین مفهوم که انسان به عنوان موجودی که پیوسته مراحل رشد و تحول خویش را طی می‌نماید و در هر مرحله ویژگی‌ها، خصایص، نیازها، مشکل‌ها، موانع و ... را تجربه می‌نماید. به مرحله‌ای می‌رسد که در آن مرحله خانواده پدری به تنهایی پاسخ‌گوی نیازها و کمک‌یار فرد جهت عبور از موانع دیگر کارایی لازم را ندارد. فرد احساس می‌کند برای ادامه مسیر حیات به کسی از نوع خود ولی با جنسیت مخالف نیاز دارد که توأم با یکدیگر ادامه مسیر بدهند. نیاز به بهره‌مندی به یک فرد از نوع خود و از جنس مخالف بصورت دائمی که جنبه رشدی و تکاملی به افراد بدهد صرفاً با تشکیل خانواده مقدور است.

## روانشناسی خانواده

روانشناسی خانواده با استفاده از سایر حوزه‌های روانشناسی و تحقیقات انجام پذیرفته مربوط به خانواده به بررسی موانع و مشکلات مربوط به خانواده از قبیل مشکلات ازدواج، دوران نامزدی، اختلافات زناشویی و علل آن، شیوه‌های تعامل و روابط زناشویی و تعامل با فرزندان و ... می‌پردازد تا برای بهبود روابط خانوادگی و پیشبرد بهداشت روانی خانواده راهکارهای عملی بیابد.

## اهمیت روان‌شناختی خانواده

مهمترین عامل اجتماعی شدن در زندگی هر انسان، تجارب دوران کودکی وی در محیط خانواده است. فضای خانواده آکنده از مهر و محبت، فداکاری و گذشت، صمیمیت و گرمی و در عین حال گاهی توأم با حسادت و رشک، دشمنی و کینه توزی، نفرت و خشم است. کودکان در جریان اجتماعی شدن اینگونه عواطف را در کنار والدین و خواهران و برادران خود تجربه می‌کنند. اعضای خانواده آنقدر به هم وابسته‌اند که هر نوع مشکل یا مسئله یک عضو خانواده بطور مستقیم یا غیر مستقیم بر زندگی سایر اعضا تاثیر می‌گذارد. از طرف دیگر خانواده به دلیل همین نفوذ و تاثیر بر افراد، گاهی به عنوان روشی برای درمان

اختلالات بکار می‌رود. روان‌شناسان بالینی و مشاوره گاهی ترجیح می‌دهند در درمان یک فرد، همه اعضای خانواده را از نزدیک ملاقات کنند.

## مطالعات مربوط به خانواده

مطالعات مربوط به خانواده حوزه‌های مختلفی را در بر می‌گیرد. از جمله این حوزه‌ها می‌توان ازدواج، تشکیل خانواده، تعامل‌های زناشویی، روابط والدین و فرزندان (کودکان)، اختلافات خانوادگی، طلاق و جدایی و ... را می‌توان نام برد. هر یک از این حوزه‌ها ابعاد وسیعی را شامل می‌شود.

## مشکلات مربوط به مطالعات خانواده

۱- **چند وجهی بودن موضوع:** خانواده یک نهاد چند وجهی (چندبعدی) است که روابط درون آن از پیچیدگی‌های ویژه‌ای برخوردار است که در مطالعات خانواده باید مدنظر قرار گیرد. این بدان معنی است که افراد خانواده تاثیر متقابلی بر رفتار (Behavior) همدیگر دارند و جدا کردن یا عدم توجه به این تاثیرات باعث کاهش اعتبار (Validity) یا بی‌اعتباری نتایج مطالعات می‌شود.

۲- **تفاوت‌های زمانی:** خانواده یک نهاد ایستا نیست، بلکه پویا است. تعریف و نگرشی که به خانواده در حال حاضر وجود دارد با نگرش‌های نیم قرن پیش تفاوت زیادی دارد و مطمئناً در طول سال‌های آینده نیز دچار تحول خواهد شد. بنابراین تعمیم نتایج مطالعات دیرروز به خانواده‌های امروزی و تعمیم نتایج امروز به فردا کاری اشتباه است و به برداشتی نادرست از وضعیت خانواده و در نتیجه برنامه‌ریزی غلط منجر می‌شود. این مطالعات باید همراه با تحول خانواده‌ها در طول زمان، متحول شوند تا نتایجی کارآمد و قابل استناد ارائه دهند.

۳- **تفاوت‌های فرهنگی:** تعریف و نگرشی که به خانواده در یک جامعه وجود دارد با جوامع دیگر تفاوت‌های زیاد و در بعضی مواقع تفاوت بنیادی دارد. نوع ازدواج، روابط زناشویی، شیوه فرزندپروری و ... در فرهنگ شرقی بویژه در فرهنگ ایرانی و اسلامی با فرهنگ‌های غربی تفاوت بنیادی دارد. همچنانکه در درون یک جامعه نیز خرده فرهنگ‌های مختلفی وجود دارند که شیوه‌ها و سنت‌های مخصوص خود را دارا می‌باشند و با توجه به این واقعیت بحث از خانواده بدون توجه به عوامل فرهنگی از اعتبار لازم برخوردار نخواهد بود.

۴- **ارتباط با سایر مباحث:** در حوزه روان شناسی، روان شناسی خانواده از نتایج روان شناسی رشد در درجه اول از روان شناسی یادگیری و روان شناسی تربیتی در درجه دوم استفاده های زیادی می برد. همچنین روان شناسی خانواده ارتباط جدانشدنی با برخی از علوم انسانی مانند جامعه شناسی، علوم اجتماعی و مردم شناسی دارد.

## مراحل تحول خانواده

روانشناسان همانگونه که برای رشد انسان مراحل رشدی - تحول قائلند برای گروه های اجتماعی نیز مراحل تحولی قائلند که از شکل گیری تا انقضای گروه را در برمی گیرد. برای خانواده نیز بعنوان یک نهاد و گروه اجتماعی مراحل متعددی را مد نظر دارند. عقیده بر این است که خانواده یک نهاد ایستا نمی باشد بلکه پویا و متغیر بوده و از فرآیند تغییر مداوم پیروی می نماید. در یک دیدگاه مراحل تحول خانواده به چهار مرحله به شرح زیر تقسیم بندی می کنند:

**مرحله اول:** مرحله زوجیت (زن و شوهر)

**مرحله دوم:** مرحله بر خورداری از فرزند خردسال

**مرحله سوم:** مرحله بر خورداری از فرزندان نوجوان

**مرحله چهارم:** مرحله بر خورداری از فرزند رشد یافته

در تقسیم بندی دیگر مراحل تحول خانواده در ۹ مرحله به شرح زیر ذکر شده اند:

**مرحله اول:** مرحله گزینش همسر و نامزدی

**مرحله دوم:** مرحله زوج های بدون فرزند

**مرحله سوم:** مرحله بر خورداری از فرزند زیر ۳ سال

**مرحله چهارم:** مرحله بر خورداری از فرزند پیش دبستانی

**مرحله پنجم:** مرحله بر خورداری از فرزند دبستانی

**مرحله ششم:** مرحله بر خورداری از فرزند نوجوان

**مرحله هفتم:** مرحله بر خورداری از فرزند جدا از والدین

**مرحله هشتم:** مرحله میان سالی

**مرحله نهم:** مرحله کهولت (سالاری فر، ۱۳۹۳: ۱۶)

آنچه که قابل ذکر است خانواده در ورود به هر مرحله از تحول خود مسائل و مشکلات خاص خود را دارد که وظایف و عملکردهای خانواده را تحت تاثیر قرار می دهد.

## فصل ۲

### نقش‌ها و وظایف در خانواده (ارکان خانواده)

#### تعریف نقش

برای نقش تعاریفی مختلفی با مفهوم نزدیک به هم آورده شده است. از جمله تعاریف زیر:

- نقش عبارت است از رفتاری که دیگران از فردی با پایگاه معینی که دارد انتظار دارند.
- نقش عبارت از عنوان با برجستگی که با آن جایگاه و الگوهای رفتاری شخصی در جامعه معین می‌گردد و توسط شرع، قانون یا عرف تعیین می‌گردد. (رفیع‌پور، ۱۳۷۷)

#### انواع نقش

**الف) نقش‌های محول یا محقق:** نقش محول را فرد بر حسب جنسیت، سن، نژاد یا سایر ویژگی‌ها دارا می‌شود. به عبارت دیگر نقش محول شیوه‌ای است که جامعه انتظار دارد نقش خود را آنچنان انجام دهیم. اکثر نقش‌ها در جوامع سنتی از این نوع می‌باشند. مثل نقش‌های خانواده. نقش محقق، نقش‌هایی هستند که بر اثر تلاش و فعالیت فردی و انتخاب برای فرد محقق می‌شود. در جوامع مدرن اکثر نقش‌ها در این نوع می‌باشد.

**ب) نقش‌های انتسابی یا اکتسابی:** نقش‌های انتسابی نقش‌هایی هستند که از هنگام تولد با انسان هستند و حذف آنها ممکن نمی‌باشد. مثل فرزند بودن. نقش‌های اکتسابی در طول زندگی برای فرد حاصل می‌شوند و فرد می‌تواند [بعضی مواقع] از پذیرش آنها خودداری کند. مثل مدیریت یک شرکت. (رفیع‌پور، ۱۳۷۷)

#### انواع نقش‌ها در خانواده

هر یک از اعضای خانواده‌ها با آن که یک نفر می‌باشد، ولی متناسب با شرایط خانواده دارای نقش‌های مختلفی می‌باشند. از این رو هر کس اولاً باید بداند چه نقش‌هایی دارد ثانیاً وقتی

یک نقشی را دارا شد چه وظایفی خواهد داشت. برای روشن تر شدن موضوع به مطالعه نقش‌های تک‌تک اعضای خانواده می‌پردازیم:

### الف) نقش‌های مرد خانواده

۱- الف) نقش شوهری: نقش مرد خانواده در مقابل همسرش نقش شوهری است. وقتی کسی این نقش را پیدا می‌کند نسبت به همسرش دارای وظایفی می‌گردد. از جمله این وظایف عبارتند از:

۱-۱- الف) تامین نفقه همسر: نفقه شامل تامین منابع مادی خوراک، پوشاک، مسکن و کلیه هزینه‌های لازم برای زندگی همسر.

۱-۲- الف) تامین رفاه همسر

۱-۳- الف) برآوردن نیازهای جنسی همسر: بطوریکه نیازهای جنسی ارضاء گردد.

۱-۴- الف) برآوردن نیازهای عاطفی همسر: همسرش را دوست بدارد، به او ابراز محبت نماید.

۱-۵- الف) مکمل دانستن زن برای خود: در گذشته‌ها زنان از ناحیه مردان بیشتر بعنوان ابزاری جهت تولید مثل تلقی می‌گردند. ولی امروزه این نگرش تغییر نموده و زن به عنوان فردی تکامل بخش تکمیل‌گر تلقی می‌گردد. پذیرش این ایده نوع رفتار مرد را با زن تحت‌تاثیر قرار می‌دهد.

۱-۶- الف) فراهم آوردن زمینه رشد و ارتقا زن: بدون شک زنان نیز همانند مردان از استعدادها و توانمندی‌های بالقوه‌ای برخوردار می‌باشند که شکوفایی آنها شرایط و زمینه خود را طلب می‌نمایند که بعد از ازدواج بر مردان است که این شرایط را مهیا و امکان رشد و بالندگی را برای همسران خویش فراهم آورند. این ارتقاء می‌تواند در زمینه‌های تحصیلی، هنری، شغلی، خانه‌داری و ... باشد.

۱-۷- الف) حفظ عفت و پاکدامنی: بعد از ازدواج مرد باید متعهد باشد که تنها با همسر خود روابطه جنسی داشته و از برقراری رابطه با دیگر زنان پرهیز نماید.

۱-۸- الف) کسب آموزش‌های لازم: از آنجایی که در غالب خانواده‌های ایرانی رهبری خانواده بر عهده مردان می‌باشد. لذا برای اینکه مرد خانواده بتواند نقش رهبری خویش را خوب ایفا نماید و خانواده را از کوران‌های سخت زندگی با موفقیت بگذارند باید سعی کند در ابعاد متعدد مهارت و آموزش‌های لازم را کسب نماید از جمله آنهاست مهارت همسرداری، تکنیک‌های فرزند پروری، تکنیک‌های کسب معاش حلال و ...



۹-۱-الف) **تکریم و بزرگداشت زن:** هر مردی باید بداند که زن قبل از آنکه زن باشد همانند خودش یک انسان است. چون انسان است حفظ حرمت و کرامت انسانی او بر مرد واجب است. از این رو نباید باوی چنان برخورد نمایند که زن احساس تحقیر شدن نماید. نباید وجود و هستی او در تعامل با مرد بر سر اختلاف‌هایی که بین آنها بوجود می‌آید از ناحیه مردم زیر سوال برود و شخصیت اول تخریب یا آسیب ببیند. عدم استفاده از واژه‌های توهین آمیز، عدم مقایسه با دیگر زنان، قدردانی و سپاس از زحمات زن، با احترام و به آرامی صحبت کردن با او، ستایش زیباییها و توانایی‌های زن، اهدای گل و هدیه، احترام به او نزد دیگران، پرهیز از مسخره کردن زن، خوش رفتاری و ... از مصادیق تکریم و بزرگداشت زن می‌باشند.

۱۰-۱-الف) **اتخاذ سیاست میانه‌روی گذشت در برابر زن:** همان‌گونه که مردان در مسیر زندگی دچار انحراف و خطا و اشتباه می‌شوند زنان نیز از این ویژگی برخوردار می‌باشند بنابراین مردان باید بپذیرند که زنان آنها نمی‌توانند همیشه و در همه موارد مربوط به زندگی مشترک بدون اشتباه و خطا ظاهر شوند. اصولاً مردان باید اجازه اشتباه کردن به زنان بدهند تا پختگی حاصل کنند. مهمتر از آن نحوه برخورد مردان با خطا و اشتباه زنان است. گروهی از مردان عقیده بر سخت‌گیری دارند و عرصه را چنان تنگ می‌گیرند که برای زنان عذاب‌آور می‌شود و در دل زنان عقده‌ها تولید می‌نماید و راه اصلاح بسته می‌شود. در مقابل گروهی هیچ‌گونه عکس‌العملی نشان نمی‌دهند و همان اشتباه بارها تکرار می‌گردد. مطلوب این است که مردان راه میانه را اتخاذ کنند و ضمن پذیرش اشتباه سعی کنند موضوع را با آرامش و تأمل با همسران خویش در میان بگذارند و به تحلیل علل اشتباه بپردازد تا در همسرانشان پختگی و تجربه اندوزی به عمل آید. در تحلیل موضوع باید معین گردد که اشتباه بوجود آمده آیا حاصل بی‌دقتی بوده است؟ آیا حاصل بی‌اطلاعی بوده است؟ آیا حاصل سوء تفسیر بوده است؟ آیا حاصل بدفهمی بوده است؟ آیا حاصل اطلاعات غلط بوده است؟

۱۱-۱-الف) **مشارکت و مشورت گرفتن زن در امور خانواده:** دگرگونی‌های بوجود آمده در ساختار خانواده زن را از موجودی که صرفاً در چارچوب خانواده به ارائه فعالیت‌های خدماتی نظیر شست و شو، جارو و پارو کردن، نگهداری بچه، آماده کردن غذا و ... می‌پردازند خارج نموده است. مردان باید این تغییر را بپذیرند و به عنوان رهبران خانواده‌ها زنان را در امور مدیریت و اداره خانواده مشارکت دهند و از قوه عقل و تفکر و خلاقیت آنان در راستای بهبود کیفیت مدیریت خانواده بهره بگیرند.

یکی دیگر از ابعاد مشارکت، مشورت‌گیری از زنان است. اساس مشورت‌گیری را بدست آوردن اطلاعات جمع‌بندی و مقایسه نظرها تشکیل می‌دهد تا کارها به بهترین صورت انجام پذیرد. بر مردان است از نظرات و ایده‌های زنان خود در امور خانواده حتماً اطلاع حاصل نمایند و آنچه را که درست و به صلاح خانواده است را انجام دهند. حال این نظر مرد باشد یا زن مهم نیست، مهم آن است که ایده درست عملیاتی شود و حاصل آن رشد خانواده باشد. مردان حتی می‌توانند در خصوص مسائل شغلی خود نیز از زنان مشورت بگیرند. هر چند که شغل آنها تخصصی است ولی خیلی مواقع بیان ایده‌ای از ناحیه زنان می‌تواند مشکل‌گشا بود و ارتقاء شغلی به دنبال داشته باشد.

۱۲-۱-الف) آشنایی با حقوق زن در خانواده و تکالیف خود: حق در لغت به معنای راست، درست و یقین می‌باشد. صاحب‌نظران برای آن مفاهیم مختلفی ذکر کرده‌اند از جمله: حق توانایی خاصی است که برای شخصی یا اشخاصی نسبت به چیزی یا کسی قرار داده شده است که با وجود آن توانایی شخص می‌تواند در آن چیز تصرف نماید یا بهره‌ای ببرد. مثل حق مالکیت. بر اساس این حق فرد می‌تواند در چیزی که خریده تصرف کند یا از آن بهره ببرد. (ابن‌الترب، ۱۳۸۱) به نظر نگارنده از آنجایی که زنان در طول تاریخ در تمام جهان مورد ظلم، ستم، استثمار، بی‌مهری و ... بوده‌اند از این رو حقوق زنان عبارت خواهد بود از:

«تنظیم اصول معینی برای دفاع از زنان در برابر ستم، ظلم، جنگ، استثمار، آزار و رهانیدن زنان از اثرات ناشی از آنها در زندگی آینده آنها».

بین حق و تکلیف یک رابطه جدا نشدنی وجود دارد. آنها همانند کفه‌های یک ترازو می‌مانند. هرگاه برای شخصی حقی بوجود می‌آید برای فرد مقابل تکلیفی خواهد بود. بطوریکه مکلف به اجرای آن می‌باشد. به عبارت دیگر هر گاه برای فردی حقی در نظر گرفته می‌شود دیگران وظیفه دارند که آن حق را محترم بشمارند. سوال اساسی یک مرد از خود باید این باشد کسی که بعنوان زن یا همسر با او تشکیل خانواده می‌دهد از چه حقوقی برخوردار است که او باید آنها را رعایت کند و تکالیفش را نسبت به آنها انجام دهد؟ به عبارتی بداند تکالیفش چیست؟ در پاسخ باید گفت حقوق متعددی برای یک زن در خانواده وجود دارد که برخی از آنها عبارتند از:

حق رشد و تعالی دادن خود

حق آزادی‌های مشروع نظیر انتخاب شغل، آزادی بیان و عقیده، آزادی‌های شخصی

- حق برخورداری از سلامت کامل جسمی، روانی، روحی و اجتماعی که لازمه چنین حقی برخورداری از تغذیه، خواب، بهداشت، ورزشی، محیط زیست سالم و ... می‌باشد.
  - حق برخورداری از امنیت: امنیت به این مفهوم که زن تحت هیچ شرایطی نباید در خانواه احساس ترس و ناامنی بنماید. بر این اساس خشونت‌های خانوادگی ترس‌زا امنیت را به مخاطره می‌اندازند. کتک زدن زنان، آزار جسمی، روحی زنان و ... امنیت آنان را به خطر می‌اندازد.
  - حق برخورداری از دانش‌اندوزی: هر زنی حق دارد در خانواده در راستای دانش‌اندوزی و کسب تحصیلات عالی بکوشد. برای خود یک حیات جاودانه و معنی‌دار و با هدف بوجود آورد.
  - حق برخورداری از مالکیت: زنان همانند مردان حق برخورداری از مالکیت اموال خویش را که چه از راه کارکردن یا ارث بدست می‌آورند می‌باشند و همانگونه که دوست دارند می‌توانند در آن تصرف نمایند و یا بهره ببرند.
  - حق برخورداری مشارکت اجتماعی: زنان می‌توانند همانند مردان در جامعه وظایف و مسئولیت‌ها و نقش‌های اجتماعی را عهده‌دار شوند و به ایفای نقش بپردازند.
  - حق برخورداری از اشتغال: زنان همانند مردان می‌توانند به اشتغال در بیرون از خانه (متناسب با موقعیت خود و همسرش و خانواده طرفین) اقدام نماید و کسب درآمد کند.
  - حق برخورداری از پرداختن به فعالیت‌های سیاسی: مردان باید بپذیرند که زنان آنان می‌توانند اگر بخواهند و انگیزه لازم را داشته باشند به فعالیت‌های سیاسی و حزبی بپردازند و ایفاگر نقش‌های مربوط به خود باشند.
  - حق برخورداری از عشق و مهر شوهر: این از حقوق اولیه زن است که عشق و مهرشوهرش را تجربه نماید تا به او اعتماد و یقین داشته و به او تکیه نماید.
  - حق برخورداری از محبت و مراقبت ویژه در دوران بارداری:
  - حق برخورداری از ... ..
- آشنایی مردان با حقوق یاد شده و سایر حقوق زنان در خانواده برای مردان تکالیف یا وظایفی را به دنبال می‌آورد و آن اینکه هر وقت زنان اراده نمودند که به حقوق خود دست یابند باید نه تنها مانع نشوند بلکه باید با آنها همراهی نیز نمایند.

۲- الف) نقش پدری: نقش مرد خانواده در مقابل یا نسبت به فرزند یا فرزندان نقش پدری است. وقتی کسی این نقش را در خانواده پیدا می‌کند وظایف متعددی بر عهده او گذاشته می‌شود که برخی از آنها عبارتند از:

- تامین نفقه فرزند یا فرزندان. نفقه شامل مسکن، خوراک، پوشاک کلیه هزینه‌های لازم نظیر هزینه تحصیل و ...
- تامین نیازهای عاطفی و روانی فرزند
- اعمالی مدیریت و اداره فرزندان
- تربیت مطلوب فرزندان

۳- الف) سایر نقش‌های مرد: مردان علاوه بر نقش شوهری و پدری در درون خانواده خویش در رابطه با اقوام و خویشان و حلقه‌های بعدی نیز دارای نقش‌ها و وظایفی می‌باشند. برخی از این نقش‌ها عبارتند از: نسبت به والدین فرزند، نسبت به خواهرزاده‌ها دایی، نسبت به برادر زاده‌ها عمو، نسبت به همسران خواهران همسر باجناب، و دهها نقش دیگر که عدم آشنایی از وظایف و عامل نبودن به آنها تاثیرات قابل توجهی بر خانواده وی خواهد داشت.

### ب) نقش‌های زن خانواده

۱- ب) نقش همسری: نقش زن خانواده در مقابل مردش نقش همسری است. وقتی کسی این نقش را عهده‌دار می‌شود نسبت به شوهرش دارای وظایفی می‌گردد، برخی از این وظایف عبارتند از:

- ۱-۱- ب) برآورده نمودن نیازهای جنسی شوهر: یکی از هدف‌های اساسی ازدواج پاسخ‌گویی به نیازهای جنسی است. رضایت جنسی با میزان بالایی از رضایتمندی زناشویی مرتبط است. شادکامی کلی زندگی زوجین با کیفیت رابطه جنسی ارتباط دارد. بنابراین زنان برای اینکه یک زندگی رضایتمندی بین خود و همسرانشان بوجود آورند باید سعی نمایند در مسائل جنسی با همسران به توافق برسند. عدم توجه به این وظیفه گاهی چنان اثرات شدیدی دارد که طرفین را مجبور به جدایی می‌نماید.
- ۱-۲- ب) تامین نیازهای عاطفی شوهر: هماهنگونه که ابراز محبت شوهر بر زن واجب است. این عمل بر زن نیز واجب است. به عبارت دیگر جهت پایداری خانواده زن باید